

نگرش انتقادی به مفهوم ضرر غیرمستقیم

مجتبی زمانی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس)

سهیل طاهری*

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس)

پژمان پیروزی

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس)

علیرضا مظلوم رهنی

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶)

چکیده

در بیشتر نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران احراز سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت برای اثبات دعوی مسئولیت اعم از قهری و قراردادی ضروری است. از سوی دیگر با اینکه بیشتر حقوقدانان جدید تمایل دارند که اصل جبران کامل خسارت را در تقابل با ضررهای وارده اعمال کنند، عقیده عمومی بر این است که هر ضرری نیز قابلیت جبران ندارد. تنها می‌توان حکم به جبران ضررهایی داد که حائز شرایط مندرج در حقوق مسئولیت مدنی باشند. شرط «مستقیم بودن ضرر» یکی از این شرایط است که در حقوق ما از آن با عنوان شرط «بلاواسطه بودن ضرر» نیز یاد شده است. حقوقدانان ما تحت تأثیر قواعد مندرج در حقوق مدنی فرانسه شرط مذکور را وارد حقوق ایران کرده‌اند و «ضرر غیرمستقیم» را قابل جبران نمی‌دانند. نگارنده بر این عقیده است که با وجود رکن سببیت در مسئولیت مدنی دیگر نیازی به احراز شرط مستقیم بودن ضرر نیست و حذف این قید خدشه‌ای به ساختار دعوی مسئولیت وارد نخواهد آورد؛ چه اینکه منظور از مستقیم و بلاواسطه بودن ضرر در حقوق ما همان احراز رابطه سببیت عرفی میان ضرر وارده و فعل زیانبار است.

واژگان کلیدی

خسارت، سببیت، ضرر، غیرمستقیم، مستقیم.

۱. مقدمه

هدف از تعیین ارکان و شرایط در مسئولیت مدنی اجرای صحیح عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق زیان‌دیده و فاعل زیان است. حقوق مسئولیت مدنی اگرچه توجه ویژه‌ای به جبران خسارت زیان‌دیده دارد، لیکن با وضع محدودیت‌هایی سعی دارد حقوق فاعل زیان را نیز مورد حمایت قرار دهد. این محدودیت‌ها در دو نظام حقوقی بزرگ دنیا یعنی نظام کامن‌لا و رومی ژرمنی به‌وضوح مشاهده می‌شود. کشورهای انگلستان و فرانسه نیز به‌عنوان اصلی‌ترین پرچمداران این دو نظام، هریک به‌نوعی این محدودیت‌ها را در نظام حقوقی خود اعمال می‌کنند. هرچند فرانسه در مقام جبران خسارت از انگلستان دست‌گشاده‌تر عمل می‌کند، لیکن در این کشور نیز جبران خسارت بدون حدومرز نیست. نظام حقوقی ایران در مقایسه با دو نظام حقوقی یادشده، شباهت بیشتری با نظام رومی ژرمنی دارد، اما در امر جبران زیان، به‌طور کامل از رویه این نظام پیروی نکرده است. حقوق ایران با اینکه در خصوص ارکان مسئولیت مدنی به نظام حقوقی فرانسه نزدیک‌تر است، در امر جبران خسارت و محدودیت‌های پیش روی آن، شباهت بیشتری با نظام حقوقی انگلیس دارد و سختگیرانه‌تر از حقوق فرانسه عمل می‌کند. غالب نظام‌های حقوقی بر این مسئله تأکید کرده‌اند که تنها ضررهایی را می‌توان جبران کرد که بدون واسطه و مستقیماً ناشی از فعل زیانبار باشند. در نظام حقوقی انگلیس به تبعیت از نظام حقوقی کامن‌لا، برای جبران ضرر محدودیت‌هایی قائل شده‌اند؛ از جمله اینکه گفته می‌شود برای جبران خسارت، ضرر وارده نباید از فعل زیانبار «دور»^۱ باشد. در قانون مدنی فرانسه هم به‌وضوح بر قاعده مستقیم بودن ضرر تصریح شده است. کشورهایی که احراز شرط مستقیم بودن ضرر را در دعوی مسئولیت لازم می‌دانند، هریک تعریف خاصی از این شرط ارائه، و بر مبنای آن ضرر را به مستقیم^۲ و غیرمستقیم^۳ تقسیم کرده‌اند. سپس با توجه به جمع جهات قابل اعتنا در حقوق خود، حکم به جبران یا عدم جبران ضرر غیرمستقیم داده‌اند. در حقوق ایران نیز اصل اولیه این است که ضرر غیرمستقیم قابلیت جبران ندارد. مبنای عدم جبران ضرر غیرمستقیم، حکم مندرج در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی است.

واضح است که هدف اصلی از وضع یک قاعده در حقوق، رفع معضلات موجود و کمک به برقراری عدالت است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۹). بدون در نظر گرفتن این هدف، وضع قاعده حقوقی بیهوده است. قاعده حقوقی باید در مدت حیات خود همواره این هدف را پوشش دهد، و گرنه کارایی خود را از دست می‌دهد و به پدیده‌ای زائد و دست‌وپاگیر مبدل خواهد شد. قاعده

-
1. Remote
 2. Direct Loss
 3. Indirect Loss

مستقیم بودن ضرر در حال حاضر چنین وضعیتی دارد. حال آنکه بدون احراز این شرط و تنها با توسل به رکن سببیت نیز می‌توان محدودیت موردنظر حقوق مسئولیت مدنی را لحاظ کرد. اهمیت نظریه از آن جهت است که محاکم ما در مقام مواجهه با ضررهایی که بازتاب ضرر اصلی‌اند، اختلاف نظر دارند. رویه قضایی در این زمینه متشتت بوده و اغلب با تردید جدی مواجه است. استدلال بسیاری از محاکم برای عدم پذیرش این‌گونه ضررها، غیرمستقیم بودن ضرر است. تحقیق حاضر با نیم‌نگاهی به حقوق کشورهای انگلیس و فرانسه همچنین اسناد بین‌المللی، پس از بررسی مفهوم سببیت^۱ و ضرر غیرمستقیم و ارتباط آنها با یکدیگر، کارایی قاعده مستقیم بودن خسارت را در حقوق ایران به چالش می‌کشد تا از این رهگذر افق جدیدی را در جهت جبران «خسارات متعارف» زیان‌دیده بگشاید.

۲. سببیت

تحقق مسئولیت مدنی نیازمند احراز سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت است. در حقوق ایران مواد متعددی وجود دارد که به لزوم احراز رابطه سببیت اشاره دارند.^۲ برای نمونه ماده ۳۳۲ قانون مدنی ایران در مقام بیان قابلیت انتساب ضرر وارده به فاعل زیان، تلویحاً به رکن سببیت اشاره می‌کند. اهمیت سببیت تا حدی است که برخی حقوق‌دانان قابلیت انتساب را به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی معرفی کرده‌اند^۳ (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۱۹). سببیت مفهومی است که از فلسفه وارد حقوق شده است. با وجود این، در حقوق معنای فلسفی سببیت مدنظر نیست (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۳: ۲۹۲). هرچند برخی فلاسفه سبب را جمع همه مقدمات و شرایط ظهور معلول دانسته‌اند (Mill, 1886: 53)، لیکن فلاسفه نیز مانند حقوق‌دانان بین سبب و شرط فرق می‌گذارند. سبب در اصطلاح فلسفه مترادف علت است و علت به چیزی گفته می‌شود که معلول زائیده آن است. علت نیز امری است که از وجودش وجود معلول و از عدمش عدم وجود معلول لازم می‌آید^۴ (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۱). مراد از سبب در فقه معنای اخیر است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۷۸) و تسبیب نیز ایجاد کردن سبب است (حسینی مراغی، ۱۳۸۵: ۵۱). با اینکه سببیت مهم‌ترین رکن مسئولیت مدنی است، اما در متون کهن به‌صورت واضح مورد بحث قرار نگرفته است و علت این امر را باید در بدیهی بودن سببیت دانست (حاجی نوروزی، ۱۳۸۹: ۶۳). در

1. Causation

۲. مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۴۹۲، ۵۲۹ و ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی.
۳. مطابق این نظریه مبنای مسئولیت «قابلیت انتساب ضرر» به فاعل زیان است. بنابراین جبران ضرر را باید از کسی خواست که ضرر منتسب به فعل یا ترک فعل اوست. تفاوت اساسی این نظریه با رابطه سببیت این است که در این نظریه سببیت به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی مطرح می‌شود نه رکن آن (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۴).
۴. «السبب الاصطلاحی الذی هو ما یلزم من وجوده الوجود و من عدمه العدم لذاته».

خصوص سببیت در حقوق نظریات متعددی بیان شده و در معنای آن اختلاف نظر وجود دارد (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۶). معنایی که در حقوق از تسبیب ارائه شده، با معنای فلسفی آن متفاوت است. در حقیقت آن چیزی که در حقوق سبب نامیده می‌شود، شرط وقوع تلف است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۶۰). لیکن این شرط به سبب نزدیک بودن به علت وقوع حادثه، تأثیر قوی‌تری از دیگر علل دارد (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۴؛ رشتی، ۱۴۰۸: ۳۰). از این رو باید گفت که سبب آن واقعه‌ای است که موجب ورود ضرر است و مسبب نیز کسی است که با نقض عهد موجب ورود زیان به دیگری است، به نحوی که ضرر به بارآمده قابل پیش‌بینی^۳ باشد. مبنای سببیت از ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به خوبی قابل استنباط است (شهیدی، ۱۳۸۹: ۷۴).

در حقوق انگلستان سببیت و لزوم احراز آن در مسئولیت مدنی به عنوان یک قاعده مورد تأکید قرار گرفته است (راف، ۱۳۹۰: ۲۵۳) گفته می‌شود رکن سببیت لازمه اثبات کلیه دعاوی است، ولو اینکه اثبات ورود ضرر وارده توسط خواهان ضروری نباشد. برای مثال در دعاوی تجاوز به مال یا جان اگرچه نیازی به اثبات ورود ضرر نیست، لیکن اثبات رابطه سببیت ضرورت دارد (Elliot & Quinn, 2009: 22). «دوری زیان»^۴ در این نظام قضایی به نوعی بیانگر رابطه سببیت است. لیکن این سببیت از طریق دو معیار مستقیم بودن و پیش‌بینی پذیر بودن احراز می‌شود. بنابراین خواهان نمی‌تواند نتایج زیانباری را که از نقض عهد خواننده بسیار دور و بعید هستند، مطالبه کند. به عبارت دیگر، ضرر وارده باید قابل انتساب به ناقض قرارداد باشد (Stone, 2003: 211). برای مثال اگر در اثر بی احتیاطی راننده‌ای اتومبیل وی از جاده اصلی منحرف شده و بر روی ریل راه آهن واژگون شود و قطار به اتومبیل برخورد کند و در اثر این برخورد از ریل خارج شود و سدی را که در کنار ریل است تخریب کند و سیلاب شهر را دچار آب گرفتگی نماید، تمامی این خسارات را نمی‌توان به راننده منسوب کرد، زیرا بسیاری از ضررهای وارده با فعل راننده خطاکار رابطه‌ای دور دارند (Cooke, 2009: 158).

در قانون مدنی فرانسه هم این مطلب را از جمع مواد ۱۱۵۰ و ۱۱۵۱ قانون قدیم و بند ۳ و ۴ ماده ۱۲۳۱ قانون جدید می‌توان استنباط کرد. همان‌طور که بیشتر حقوقدانان فرانسوی نیز

۱. بل لعل التضمین بما ذكره من السبب الذي قد عرفت كونه من الشروط باعتبار قربه إلى علة التلف، فهو أقوى من غيره من الشروط التي لها مدخلية في التلف أيضا، إلا أن القرب منها سموه بالسبب وجعلوا التضمين به، ولأرب في أن المباشرة أقرب منه.

۲. كل فعل يقع في الخارج شرطا لامر مؤثر في الاتلاف او جزاء له سواء كان وقوعه شرطا اغلبييا او غالبييا او لا ما لم يبلغ حد التدره التي يلحق بالعدم.

3. Foreseeability

4. Remoteness of damage

همین نظر را تأیید کرده‌اند (Flour et Aubertn, 1998: 185; Le Tourneau, 1998: 812). بر این مبنا ضرر مستقیم در فرانسه، ضرری است که نتیجه لازم و ضروری خطاست (Potier, 1861: 162).

۳. ضرر غیرمستقیم

در حقوق مسئولیت برای تحقق ضرر به‌عنوان رکن نخست مسئولیت مدنی، شرایطی را لازم دانسته‌اند که «مستقیم یا بلاواسطه بودن ضرر» یکی از آنهاست. بر این مبنا گفته می‌شود ضرر قابل جبران ضرری است که مستقیم باشد. «ضرر غیرمستقیم» که گاهی به آن «خسارت تبعی»^۱ (بادینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۳)، «خسارت متعاقب»^۲ (نعیمی، ۱۳۹۰: ۲۵۲) و «ضرر کمانه‌کرده»^۳ (ژوردن، ۱۳۹۴: ۱۸۲) نیز گفته شده است، هنگامی اتفاق می‌افتد که ضررها یکی پس از دیگری و متعاقباً حادث شود؛ هر ضرر معلول ضرر قبلی است و این سلسله ممکن است بارها و بارها تکرار شود.^۴ در این‌گونه موارد مسئله اصلی این است که عامل زیانبار مسئول جبران کدام یک از این ضررهاست و حقوق مسئولیت مدنی تا کجا می‌تواند حدود مسئولیت عامل بی‌احتیاط یا ناقض قرارداد را توسعه دهد. گفته شده ضرر مستقیم ضرری است که بین آن و فعل منشأ ضرر، رابطه علیت محسوس وجود دارد (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۱۶). در مقابل، نظر رایج در مورد ضرر غیرمستقیم این است که در ضرر غیرمستقیم رابطه سببیت عرفی بین فعل عامل زیان و خسارت وارده وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۷۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۴؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۱؛ حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۴۱؛ باریکلو، ۱۳۹۶: ۸۹؛ سماواتی، ۱۳۸۰: ۲۸؛ حاجی نوروزی، ۱۳۸۹: ۷۶). در فقه هم به این مطلب اشاره شده است (رشتی ۱۴۰۸ق: ۴۰؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۴۹؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق: ۴۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۰۸). بنابراین ملاک تشخیص ضرر مستقیم و غیرمستقیم در حقوق ایران احراز رابطه سببیت عرفی است. هرچند میان فعل زیانبار و ضرر وارده عوامل دیگری هم متصور باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۷۸). باید این نکته مهم را در نظر داشت که ضرر غیرمستقیم با «سبب غیرمستقیم»^۵ متفاوت است و نباید این دو مفهوم را یکی انگاشت (سنهوری، ۱۳۸۴: ۱۲۹)؛ چه اینکه در سبب غیرمستقیم مسئله اصلی تشخیص سبب مؤثر و مسئول است. هرچند اساتید حقوق گاهی این دو مفهوم را یکی

1. Consequential damage
2. Subsequent damage
3. Ricochet loss

۴. شخصی در نتیجه بی‌مبالاتی یا به عمد، شخص دیگر را مجروح می‌کند و مجروح به سیاه‌زخم مبتلا می‌شود و پزشک ناچار به قطع دست او می‌شود. حادثه دیده در اثر قطع عضو، شغل خود را از دست می‌دهد و ندارد و تنگدست می‌شود، و در اثر تنگدستی و ناداری فرزندان او نیز از دست می‌روند. در اثر حادثه اخیر هزینه‌های هنگفتی بابت درمان و مراسم ترحیم به زیان دیده تحمیل می‌کند، اما زیان ناشی از مرگ فرزندان، ضرر غیرمستقیم است (مصطفوی و امین‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۸).

5. Indirect cause

دانسته و تفکیکی بین آن دو قائل نشده‌اند^۱ (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۶؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۵۲). برای اینکه سببی غیرمستقیم تلقی شود، باید اولاً ضرر وارده مستقل از فعل فاعل زیان باشد؛ ثانیاً حادثه غیرمتعارف ناشی از فعل ارادی یک شخص دیگر باشد؛ ثالثاً این حادثه بعد از فعل خواننده محقق شود نه همزمان یا قبل از آن (حاجی نوروزی، ۱۳۸۹: ۷۶). علت تداخل بحث سبب غیرمستقیم با ضرر غیرمستقیم در حقوق ایران این است که بحث سببیت در حقوق ما ریشه در فقه دارد. فقها در تشریح علت حادثه، معمولاً از سببیت عرفی صحبت به میان می‌آورند و ضررهای دور را نیز عدم‌النفع^۲ شمرده و حکم به جبران آن نمی‌دهند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۸۵؛ نراقی، ۱۴۱۰: ۵۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۴۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۴۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۱۱)، مگر اینکه رابطه سببیت عرفی را احراز کنند. بنابراین در فقه، صرف‌نظر از اینکه سبب غیرمستقیم است یا ضرر، با توسل به رابطه سببیت سعی در حل مشکل دارند. به همین علت است که گاهی در حقوق بحث ضرر غیرمستقیم با سبب غیرمستقیم خلط می‌شود.

اگرچه در حقوق سایر کشورها رکن سببیت جزء ارکانی است که به لزوم احراز آن در مسئولیت مدنی تأکید می‌شود، در حقوق خارجی قاعده سببیت به مفهومی که در حقوق ما وجود دارد، متصور نیست؛ چه اینکه قاعده تسبیب در حقوق ما ابعاد بسیار گسترده‌تری از سببیت در حقوق خارجی دارد و تشخیص زیان مستقیم ارتباط تام با سببیت دارد، درحالی‌که مثلاً در حقوق انگلیس خسارات مستقیم^۳، خساراتی هستند که به‌طور طبیعی و مستقیم از نقض عهد ناشی می‌شوند. در مقابل، ضرر غیرمستقیم که در حقوق انگلیس از آن با عنوان «خسارت تبعی»^۴ و «خسارت ویژه»^۵ نیز یاد می‌شود، عبارت از خسارتی است که به‌طبق روال طبیعی و

۱. برای مثال مرحوم استاد دکتر کاتوزیان، در موردی که رهگذری در روز بارانی با اتومبیلی که با سرعت زیاد در حال حرکت است تصادم می‌کند، عنوان داشته‌اند عبور اتومبیل و سرعت زیاد آن، خارج شدن رهگذر از خانه و بارانی بودن هوا و شاید بسیاری امور دیگر با هم جمع شده تا تصادم رخ دهد و باید در اینجا سببیت عرفی احراز شود. این مثال در ذیل مبحث ضرر غیرمستقیم آورده شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۷).

همچنین استاد صفایی و رحیمی معتقدند در جایی که چند حادثه پی‌درپی حادث می‌شود و هریک از حوادث سبب حادثه بعدی است، ضررهای متعاقب مصداق ضرر غیرمستقیم هستند. برای مثال اگر شخصی اتومبیل خود را با درهای باز در خیابان رها کند و سارق اتومبیل را به سرقت برده و با اتومبیل فردی را مصدم نموده و به قتل برساند، چنین مثالی نیز از مصادیق ضرر غیرمستقیم خواهد بود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۵۲).

2. Loss of Profit

3. Direct damages

4. Consequential damages

5. Special damages

۶. شایان ذکر است در کامن‌لا دسته‌بندی دیگری از خسارت و ضرر وجود دارد که زیان‌های وارده به متضرر را به زیان اصلی و تبعی تقسیم می‌کند. خسارات اصلی خسارات از بین رفتن ارزش مورد تعهدند، یعنی ارزشی که در نتیجه انعقاد عقد متعهدله مالک آن می‌شود و در صورت نقض قرارداد این ارزش از دست می‌رود. در مقابل خسارات تبعی، خساراتی هستند که نقض عهد در آنها به‌واسطه امور، اقدامات و حوادث دیگری رخ می‌دهد.

معمول، بلکه تحت تأثیر شرایط خاص ایجاد شده و به‌طور استثنایی قابلیت جبران دارد (Tweeddale A., 2017:20). در فرانسه نیز بر شرط مستقیم بودن ضرر در مواد ۱۱۵۱ قانون مدنی قدیم و ۴-۱۲۳۱ جدید و بند ۱ ماده آیین دادرسی کیفری تأکید شده است. اما ارتباط آن با رکن سببیت بیشتر از حقوق انگلیس است.

۴. وابستگی ضرر مستقیم به رکن سببیت

۴.۱. حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس برای اثبات مستقیم بودن ضرر در وهله اول باید ضرر وارده به خواننده قابل انتساب باشد. سببیت رابطه‌ای است که شرط لازم برای اثبات ورود زیان است. رکن سببیت یکی از سه رکن لازم برای اثبات مسئولیت‌های عمدی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر^۱ و مسئولیت مطلق^۲ است (Elliot & Quinn, 2009: 99). این قاعده در تمامی موارد به‌غیر از خطرهای ناشی از اقدامات درمانی که به صرف تقصیر پزشک رابطه سببیت مفروض است، رعایت می‌شود. بنابراین سببیت، هم در ضررهای عمدی و هم در مسئولیت بدون تقصیر نقش مهمی دارد (خادم رضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۷).

قاعده مهمی در حقوق انگلستان وجود دارد که بیان می‌دارد: «نقض قرارداد باید علت مؤثر ضرر وارد شده به زیان‌دیده باشد». این مسئله به‌وضوح در پرونده کوزی علیه لونک ویست^۳ مشاهده می‌شود. در این پرونده دادگاه استیناف استدلال کرد که خواننده در خصوص ارائه اطلاع صحیح به بانک تخلف کرده و رعایت احتیاط و مراقبت^۴ را نکرده است. مضاف بر اینکه او به‌سبب خرید شغلی که بعداً با شکست مواجه شده متضرر گردیده است. چه‌بسا اگر او از وضعیت نابسامان اقتصادی مطلع بود، اقدام به چنین معامله‌ای نمی‌کرد. ضمن آنکه خواننده نیز تکلیفی به آگاه کردن خواهان نسبت به وضعیت بد اقتصادی که در آتیه اتفاق می‌افتد، نداشته است. بنابراین، نقض قرارداد توسط خواهان را نمی‌توان علت ورود ضرر به خواننده دانست (راف، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

قاعده دیگری نیز وجود دارد که به قاعده «But for test»^۵ معروف است. این قاعده در تشخیص دوری یا نزدیکی زیان کاربرد دارد. در فارسی از این قاعده با عنوان «اگر نبود» یاد می‌شود؛ یعنی قاضی هنگام رسیدگی به دعوی خسارت باید از خود بپرسد که اگر این تقصیر

1. Negligence
2. Strict Liability
3. Cossey v. Ionnkvist (2000)
4. Duty of care

۵. در لاتین sin qua nonCause

وجود نداشت، آیا ضرر وارد می‌شد یا خیر (Knusten, 2009: 158). در جایی که بتوان چنین پاسخ داد که صدمات و خسارات وارده واقع نمی‌شود مگر با دخالت خواننده، در این صورت خواننده مسئول جبران تمام خساراتی است که ناشی از عدم رعایت احتیاط متعارف و معقول اوست (Stephenson, 2000: 137; Treitel, 1995: 974). در مقام مقایسه شاید بتوان قاعده «اگر نبود» را با سبب تامه در فقه و حقوق ایران شبیه دانست. نفوذ این نظر را در حقوق ایران می‌توان به خوبی در منطوق ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی ملاحظه کرد.^۱ ضابطه مذکور در مواردی که علت وقوع حادثه بیش از یک نفر نباشد، رعایت می‌شود و در تعدد اسباب قابل اعمال نیست.^۲ (Harpwood, 2009: 169; Cray 1999: 95; Honore, 1995: 365; Coleman, 1992: 270). قضات انگلیسی اگر حادثه‌ای مانع از تحقق رابطه سببیت باشد، قاعده novus actus interiens را اجرا می‌کنند. این قاعده تابعی از بحث غیرمستقیم بودن ضرر است (بیرمنگهام، ۱۳۸۸: ۱۰۱)، بدین معنی که گفته می‌شود یک عامل مداخله‌گر زنجیره سببیت را قطع کرده است. شایان ذکر است، در انگلیس اولاً ضرر باید ناشی از نقض مراقبت مرتکب باشد؛ ثانیاً ضرر وارده نباید دور باشد؛ به این معنی که ضرر واقع شده باید به طور مستقیم ناشی از عمل زیان‌زننده باشد و خسارتی که برای طرفین قابل پیش‌بینی نیست، خسارت دور شناخته می‌شود. برای تشخیص دوری و نزدیکی زیان از ضابطه مستقیم بودن و قابلیت پیش‌بینی معقول استفاده می‌شود. هرچند در بیشتر دعاوی دلیل پیدایش نتایج زیانبار به طور بدیهی ناشی از اقدامی است که منتسب به خواننده دعواست، لیکن گاهی اهمیت قاعده دوری زیان یا قابلیت پیش‌بینی زیان به مراتب بیشتر از رابطه سببیت است. اما باید در نظر داشت که محاکم انگلیس در این حالت نیز به نقش عرف توجه کافی دارند.^۳ بدین توضیح که پس از احراز نقض وظیفه مراقبت خواننده (رابطه سببیت عملی)، باید احراز شود که زیان وارده بیش از اندازه دور نیست (رابطه سببیت حقوقی). (Cooke, 2009: 158-159). قابلیت پیش‌بینی معقول و متعارف در اینجا راهگشا خواهد بود و بر مبنای آن محاکم انگلیس در نتیجه مستقیم بودن و دور نبودن را احراز می‌کنند (Stephensone, 2000: 137). در جایی که یک عامل مداخله‌گر زنجیره ارتباط بین فعل و ضرر را گسسته و به نحوی مؤثر واقع می‌شود، این امر ممکن است موجب سلب مسئولیت از فاعل شود. بنابراین در چنین مواقعی باید به قواعد دیگری متوسل شد که بتوان رابطه علیت و

۱. تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

۲. در حقوق انگلیس برای برقراری رابطه سببیت به قاعده «توازن احتمالات» نیز توجه می‌شود. به این معنا که مسئولیت هنگامی به عهده فاعل است که تأثیر دخالت وی کمتر از ۵۱ درصد نباشد. در غیر این صورت، نمی‌توان وی را مسئول ایجاد حادثه دانست (Witting, 2015: 150; Elliot and Quinn, 2001: 100).

۳. این رویکرد به وضوح بعد از طرح پرونده واگن ماند (Wagonmound) مشاهده می‌شود.

سببیت را مجدداً برقرار کرد. این قواعد همان معیارهای مستقیم بودن و قابلیت پیش‌بینی متعارف و معقول است که می‌توان به‌وضوح تأثیر آنها را در حقوق انگلستان مشاهده کرد. به‌طور مثال در پرونده مک کیو^۱ تقصیر خواننده سبب شد که پای خواهان دچار تیک عصبی غیرارادی شود. مدتی بعد توانایی راه رفتن خواهان کاهش یافت، به‌نحوی که در راه رفتن دچار مشکل شد و به همین دلیل به زمین خورد و قوزک پای او شکست. خواهان علیه خواننده طرح دعوا کرد، اما دادگاه نظر داد که خواننده مسئول جبران ضرر ناشی از شکستن پای خواهان نیست، زیرا اگرچه شکستگی پا قابل پیش‌بینی بوده است، لیکن به‌دلیل اینکه عملکرد خواهان قبل از شکستگی غیرمنطقی تشخیص داده می‌شود، بنابراین، قاعده novus actus interiens در مورد او اجرا می‌شود (بیرمنگهام، ۱۳۸۸: ۱۰۲). اما در قضیه پیگنی علیه پوینترز^۲ همسر خواهان در اثر تقصیر خواننده دچار جراحت شده و در پی این حادثه افسردگی شدیدی گرفت و سپس خودکشی کرد. دادگاه خواننده را به جبران خسارت غیرمستقیم خواننده محکوم کرد (بیرمنگهام، ۱۳۸۸: ۱۰۳). بنابراین در کامن‌لا معمولاً رویه واحدی برای جبران ضررهای غیرمستقیم وجود ندارد (Coulthard W. & Cifelli R. 2017 September). در رویه کنونی انگلستان نمی‌توان گفت مستقیم بودن از شروط زیان قابل جبران است. اگرچه این شرط به‌طور کلی از نظام حقوقی این کشور حذف نشده است، نقش آن بسیار کمرنگ شده و مستقیم بودن ضرر با وجود شرط پیش‌بینی‌پذیر بودن معنا و مفهوم پیدا می‌کند (Harpwood, 2009: 170). آنچه مسلم است در سال‌های اخیر به علت ارتباط و وابستگی ضرر غیرمستقیم به رکن سببیت، حقوق انگلیس برای شناسایی دوری زیان به معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر روی آورده و معتقد است قاعده مستقیم بودن صرفاً حل مسئله مسئولیت را به رکن سببیت احاله می‌دهد (Winfield & Jolwicz, 1994: 158).

۴.۲. حقوق فرانسه

برای بررسی سببیت و ارتباط آن با شرط مستقیم بودن، حقوق فرانسه به‌عنوان نماینده نظام رومی ژرمنی بهترین گزینه است. با اینکه محاکم فرانسوی در امر سببیت سخت‌گیری ندارند، لیکن سببیت همانند حقوق ایران از ارکان اثبات دعوای مسئولیت است. از این رو علی‌الاصول در دعوای مسئولیت باید «رابطه سببیت»^۳ احراز شود. البته این رویه گاهی اوقات تعدیل شده و صرفاً به استناد اماره تقصیر حکم به پرداخت خسارت داده می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۴۶). رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از تقصیر ضروری است. حقوقدانان فرانسوی حتی در بحث

1. McKew v. Holland & Hannen & Cubitts.

2. Pigney v. Pointers Transport Services.

3. Lien de causalite

مسئولیت مطلق نیز وجود سببیت را منتفی نمی‌دانند. در برخی موارد نیز رابطه سببیت مفروض دانسته می‌شود. به‌طور مثال، در تعهدات به نتیجه، نقض عهد به‌خودی‌خود تقصیر است و نیازی به اثبات رابطه سببیت نیست. اگرچه گاهی گفته شده حقوقدانان فرانسوی برای توجیه رابطه سببیت از حقوق انگلیس کمک گرفته‌اند، لزوم احراز سببیت بین ضرر وارده و فعل زیانبار در حقوق فرانسه از قدیم مورد توجه بوده است (Le Tourneau 1998: 264) در قانون مدنی قدیم فرانسه رابطه سببیت تعریف نشده بود، اما واژه *causer* که در مواد ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ به‌کار رفته بود، بر لزوم احراز رکن سببیت دلالت داشت. در قانون مدنی مصوب ۲۰۱۶ نیز در مواد ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۲ به لزوم رابطه سببیت اشاره شده است^۱. با این حال حقوقدانان فرانسوی اعتقاد دارند مسئله سببیت از دشوارترین مسائل حقوق و به‌مثابه معمایی است مرموز که از فلسفه وارد حقوق شده است (Faure Abbad, 2003: 209).

قاعده سببیت گاهی در حقوق فرانسه به‌عنوان معیاری برای تشخیص خسارات غیرمستقیم قابل جبران به‌کار می‌رود. به‌طور مثال، خسارت‌های روحی وارده به بستگان متوفی اگرچه در تقسیم‌بندی جزء ضررهای غیرمستقیم قرار می‌گیرند، به‌علت وجود رابطه سببیت حکم به پرداخت آنها داده می‌شود (Terre, 1999: 635). محاکم فرانسوی برای اثبات رابطه سببیت به معیار کافی بودن و پیش‌بینی‌پذیر بودن توجه دارند و همانند حقوق ایران زیان‌دیده با اثبات عامل خارجی ممکن است از مسئولیت مبرا شود. به هر حال در حقوق فرانسه نیز همانند حقوق ایران سببیت نقش مهمی در شناسایی ضرر غیرمستقیم دارد. هم در فرانسه و هم در حقوق ایران از اسباب طولی و عرضی صحبت به میان می‌آید. تفاوتی که در حقوق ما و کشور فرانسه در این زمینه وجود دارد، این است که از نظر حقوقدانان ایران منظور از اسباب طولی این است که اسباب متعددی یکی پس از دیگری حادث شود و راهکار حقوق ایران در مواجهه با این اسباب به پیروی از فقه، توسل به نظریه سبب مقدم در تأثیر است. اما در حقوق فرانسه منظور از اسباب طولی آن است که هر یک از اسباب، سبب وجود سبب بعدی باشد. به همین دلیل در حقوق فرانسه ضرر غیرمستقیم در ذیل بحث سببیت و اسباب طولی بحث می‌شود. در فرانسه نظریه برابری اسباب و سببیت متعارف که متأثر از نظریات فلسفی کشور آلمان هستند، از اقبال بیشتری نسبت به سایر نظریات برخوردارند. با این حال در سال‌های اخیر رویه قضایی تمایل بیشتری نسبت به نظریه سببیت متعارف از خود نشان می‌دهد (ژوردن، ۱۳۹۴: ۹۵). حقوقدانان آلمانی نیز از میان تمام نظریات ارائه‌شده نظریه سبب اصلی و متعارف را ترجیح داده‌اند و معتقدند واقعه‌ای که برحسب جریان متعارف امور به وقوع ضرر منجر می‌شود، باید به‌عنوان سبب زیان معرفی شود (Beudant, 1953: n1616).

1. http://www.trans-lex.org/601101/_/french-civil-code-2016/

برخی حقوقدانان فرانسوی ارتباط سببیت و مستقیم بودن ضرر را مهم و اساسی ندانسته‌اند و معتقدند ضرر مستقیم مترادف و هم‌معنی قابلیت پیش‌بینی است. به عقیده این عده زیان مستقیم فرای بحث سببیت قابلیت بحث دارد و نباید در تفسیر آن به رابطه سببیت استناد کرد. بنابراین، ضررهایی که به‌طور عادی از عمل فاعل زیان حاصل می‌شود، نتایج ضروری و مستقیم تقصیر فاعل آن است و ضرری که نتیجه عادی و طبیعی تقصیر خوانده نباشد، ضرری است که وقوع آن نوعاً از عمل وی قابل پیش‌بینی نبوده است (Malaurie, 1995: 47). هرچند رویه قضایی فرانسه در سال‌های نه‌چندان دور تمایل بر این دارد که معیار و ضابطه معینی در خصوص ضابطه مستقیم بودن ضرر ارائه ندهد، و در هر پرونده به‌طور موردی و خاص با توجه به میزان تقصیر عامل زیان، ضرر مستقیم را تعیین کند و حکم به جبران آن بدهد (Flour et Aubert, 2009: 186). لیکن در عمل، رویه قضایی در آرای متعدد تأکید می‌کند همین که میان زیان وارده و خسارت مورد ادعا، رابطه سببیت متناسب و متعارف وجود داشته باشد، مسئولیت مدنی تحقق می‌یابد.^۱ بیشتر حقوقدانان فرانسوی نیز منظور از مستقیم بودن خسارت را همان رابطه سببی بین فعل زیانبار و ضرر وارده می‌دانند و معتقدند ضرر غیرمستقیم ترجمه منطقی رابطه سببیت بین تقصیر زیان‌زننده و ضرر وارده به زیان‌دیده است (Le Tourneau, 1998: 812; Terre, 1999: 634).

۳.۴. اسناد بین‌المللی

لزوم وجود رکن سببیت به‌طور ضمنی از ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا قابل استنتاج است. در این ماده آمده است: «... این خسارات نمی‌توانند از مقدار زبانی که نقض‌کننده در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیات و موضوعاتی که در همان موقع به آنها واقف بوده یا می‌باید واقف می‌بوده، به‌عنوان اثر ممکن‌الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده یا می‌باید پیش‌بینی می‌کرده است، متجاوز باشد». ماده ۷۴ کنوانسیون، جبران ضررهای ممکن‌الحصول ناشی از نقض قرارداد را منوط و وابسته به وقوف نقض‌کننده قرارداد از واقعیات و موضوعات و پیش‌بینی‌پذیری آنها کرده است. به‌عبارت دیگر، بین ضررهای ممکن‌الحصول و نقض قرارداد باید رابطه سببی احراز شود. ضررهای غیرمستقیم ناشی از نقض قرارداد را می‌توان در شمار منافع ممکن‌الحصول آورد (schelechtrime, 1998: 558). بنابراین با اعمال معیار قابل پیش‌بینی بودن می‌توان رابطه سببیت را بین ضررهای غیرمستقیم وارده به متضرر برقرار کرد. این راه‌حل شبیه «تئوری علت و معلول کافی» است. بر این مبنا شارحان کنوانسیون معتقدند که تنها بین

۱. برای نمونه رک: رأی دادگاه پاریس مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۸۹ دادگاه پاریس و رأی دادگاه ورسای ۳ مارس ۱۹۸۹ دادگاه ورسای (ژوردن، ۱۳۹۴: ۹۳ به بعد).

ضررهای غیرمستقیمی رابطه سببیت برقرار است که نقض کننده قرارداد در زمان انعقاد عقد آنها را پیش‌بینی می‌کرده است (بیانکا و دیگران، ۱۳۹۱: ج ۳، ۸۵).

در بند ۱ ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز تصریح شده که: «...طرف زیان‌دیده به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا، مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات هر گونه زیان وارده و نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است آن هم با احتساب هر گونه نفع مکتسب از سوی طرف زیان‌دیده که ناشی از اجتناب از صدمه یا هزینه باشد...». این ماده تأکید می‌کند زیان‌دیده می‌تواند برای دریافت غرامت کاملی که از صدمه و زیان ناشی از عدم اجرای قرارداد است به فاعل زیان مراجعه کند. غرامت کامل می‌تواند عدم‌النفع را که مصداقی از ضرر غیرمستقیم است، شامل شود (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹: ۳۴۴). ضمن آنکه عبارت «صدمات ناشی از عدم اجرا» می‌تواند مفید این معنی باشد که برای مطالبه زیان ناشی از عدم اجرای قرارداد باید رابطه سببیت احراز شود.

در ماده ۱۰۵-۲ اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی گفته شده ضرر باید از طریق راه‌های متعارف رسیدگی و ثابت شود. در ماده ۱۰۱-۳ سبب؛ فعالیت یا رفتاری است که موجب ورود خسارت به زیان‌دیده است، که اگر انجام نمی‌شد، خسارت به‌وقوع نمی‌پیوست. با توجه به اینکه در ماده ۱۰۱-۱۰ اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی نیز، منظور از خسارت، پولی است که می‌تواند خواهان را در موقعیت اجرای قرارداد قرار دهد و موقعیت از دست‌رفته نیز می‌تواند مصداقی از ضرر غیرمستقیم باشد، بنابراین، وابستگی ضرر غیرمستقیم به رکن سببیت در این اصول نیز مسلم است.

علاوه بر مصادیق یادشده، موارد متعدد دیگری می‌توان در اسناد بین‌المللی یافت که سببیت مؤثر در مسئولیت و جبران خسارت شناخته شده است.^۱

۴.۴. حقوق ایران

در حقوق ایران مواد ۳۲۱ و ۳۲۸ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، همچنین مواد ۴۹۲، ۵۲۹ و ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی دلالت بر لزوم اثبات رابطه سببیت در مسئولیت مدنی دارند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۰۴). علاوه بر ضمان قهری، در مسئولیت قراردادی نیز وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده ضروری است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷). ضرورت وجود این رکن در اثبات مسئولیت مدنی به تأسی از باب اتلاف و تسبیب در فقه، مورد تأکید قرار گرفته

۱. در ماده ۱۳۹ کنوانسیون حقوق دریاها اشاره شده: سببی که به‌علت قصور دولت عضو یا سازمان بین‌المللی در انجام وظایفش براساس این بخش ایجاد شده موجب مسئولیت دولت متعهد است.

براساس ماده ۳۱ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت‌ها برای اقدامات متخلفانه بین‌المللی به مفهوم سببیت اشاره شده و دولت‌های مسئول مکلف‌اند خسارات وارده‌ای را که به‌سبب عمل متخلفانه آنها ایجاد شده است پرداخت کنند.

است. در فقه هر گاه فعل یک شخص با واسطه موجب تلف مال دیگری شود، زیان‌زننده را مسئول می‌دانند و این عمل را تسبیب می‌گویند^۱ (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۷ و ۴۶؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۲۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۳۸). برای یافتن رد پای ضرر غیرمستقیم در فقه بیشتر باید به مبحث سببیت مراجعه کرد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۴۰؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۷: ۵۴)، چه اینکه فقها در مواضع متعددی برای تشخیص رابطه مستقیم بین ضرر و فعل زیانبار، به رابطه سببیت استناد کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۷: ۶۹؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۳۹۳؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۶؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۱۶۹). این امر نشان‌دهنده وابستگی قاعده مستقیم بودن به سببیت است.

همچنان‌که گفته شد قریب به اتفاق حقوق‌دانان ایران معتقدند منظور از مستقیم بودن این است که بین ضرر وارده و فعل زیانبار رابطه سببیت عرفی برقرار باشد و هیچ حادثه‌ای رابطه علیت و سببیت بین فاعل زیان و ضرر را قطع نکند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۶؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۱؛ حیاتی، ۱۳۹۲: ۸۹؛ باریکلو، ۱۳۹۶: ۸۹). حتی برخی حقوق‌دانان به صراحت تفنین ماده ۵۲۰ آیین دادرسی مدنی و لزوم بی‌واسطه بودن ضرر را تأکید قانون‌گذار بر لزوم وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ایجاد ضرر دانسته‌اند^۲ (وطنی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). از سوی دیگر به نظر عده زیادی از فقها، معنای سببیت همان شرطیت است؛ به این معنی که اگر سبب موردنظر وجود نداشت، خسارت نیز به‌بار نمی‌آمد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۳۷؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۷: ۵۱؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۱۶۳؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق: ۱۱۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق: ۷۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۳۹۱). بنابراین، برای صدور حکم به جبران خسارت، اصل اولیه آن است که رابطه سببیت باید احراز شود.

برای احراز رابطه سببیت نیازی نیست که ثابت شود میان فعل زیانبار و ضرر وارده هیچ‌گونه واسطه‌ای وجود ندارد. در حقوق ایران چنانچه یک عامل منحصر به فرد علت ورود زیان باشد، از معیار «رابطه سببیت عرفی» برای تشخیص فاعل زیان استفاده می‌شود (کاتوزیان،

۱. در برخی مواضع، مانند ضمان ید به اثبات رابطه سببیت نیازی نیست.

۲. «...التسبیب، و هو کل فعل يحصل التلف بسببه كحفر البئر فی غیر الملك، وكطرح المعائر فی المسالك) بلا خلاف أجده فی أصل الضمان به، بل يمكن تحصيل الإجماع علیه...»

۳. در مقابل دیدگاه غالب، برخی حقوق‌دانان نیز شرط مستقیم بودن ضرر را مرتبط با رکن نخست مسئولیت مدنی، یعنی «ضرر» دانسته‌اند. به عقیده ایشان کارکرد شرط مستقیم بودن ضرر، خارج کردن خسارت از خسارت و خسارات تبعی از حوزه ضررهای قابل جبران است. بنابراین، با واسطه بودن ضرر را نباید مانع احراز رابطه سببیت دانست، چه اینکه با واسطه بودن ضرر ملازمه‌ای با عدم احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده ندارد. به این مفهوم، مستقیم بودن صرفاً از اوصاف اتلاف است که یکی از موجبات ضمان به‌شمار می‌رود (شهینایی، ۱۳۹۲: ۸۲).

۴. «...السبب المذكور هنا غیر موافق لمعنی السبب بمعنی العلة التامة ولا السبب الاصطلاحي الذي هو ما يلزم من وجوده الوجود ومن عدمه العدم لذاته، بل ليس هو إلا من الشرائط كما سمعت الاعتراف به من الغاضل...»

۵. فالسبب هنا غیر السبب الاصطلاحي الذي هو بمعنی العلة المؤثرة ضرورة إن حفر البئر و ایجاد المعثر لا يكون موجبا للهلاك بل لا بد من الوقوع و العثار.

۱۳۸۲: ۲۸۷؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۲۰۰)، به این معنا که گفته می‌شود عرف باید وقوع ضرر را به عامل زیان نسبت دهد و قائل به این باشد که اگر زیان‌زننده در حادثه مذکور دخالت نمی‌کرد، آن حادثه به وقوع نمی‌پیوست. عرف، بهترین داور برای سامان دادن به روابط خصوصی اشخاص است (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۱۹). از نظر حقوق، زبانی نزدیک شناخته می‌شود که عرف آن را تأیید کند و رابطه علیت یا سببیت بین زیان و فعل زیانبار را مستقر بداند؛ بدون احراز چنین رابطه‌ای نمی‌توان حکم به جبران خسارت داد. چنانکه در مثال گفته شده، اگر شخصی در حادثه رانندگی آسیب ببیند و دادگاه به خسارت شکستن استخوان و بیکاری موقت او حکم دهد، اما پس از چندی عوارض روانی و جسمانی ناشی از آن صدمه بروز کند و موجب ازکارافتادگی همیشگی مجروح شود، همسرش طلاق بگیرد، خانواده و دارایی‌اش بر باد رود و به بدبختی بیفتد، عرف چنین ضررهایی را متناسب به سرعت غیرمجاز یا انحراف راننده خطاکار نمی‌بیند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۶) یا اگر شخصی در اثر فعل زیانبار شخص دیگر، مصدوم شده و برای مداوا در بیمارستان بستری شود و در آنجا در اثر مبتلا به بیماری مسری دیگر متحمل هزینه‌های پزشکی مضاعفی گردد، خواننده را نمی‌توان مسئول جبران هزینه درمان بیماری مسری دانست (حاجی نوروزی، ۱۳۸۹: ۷۵). اگرچه حقوقدانان ما دخالت اسباب و عوامل دیگری غیر از عمل خواننده و رعایت حال متعهد و مدیون از جهت اجتماعی را نیز در شمار دلایل عدم جبران ضرر غیرمستقیم آورده‌اند، لیکن تأکید ایشان بیشتر بر محور سببیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۶۵؛ شهیدی، ۱۳۸۹: ۲۷۳). بعید نیست ارتباط دادن مفهوم قاعده مستقیم بودن به رکن سببیت در حقوق ما ناشی از آن باشد که حقوقدانان ما با مذاقه در حقوق فرانسه متوجه تناقضی آشکار شده‌اند، زیرا با اینکه در حقوق فرانسه مستقیم بودن ضرر از عوامل محدودکننده جبران خسارت معرفی شده است، لیکن برخی از ضررهای غیرمستقیم به‌وضوح قابل جبران دانسته شده‌اند^۲ (ژوردن، ۱۳۹۴: ۹۴). البته حقوق ایران نیز چندان با مسئله مذکور بیگانه نیست. حکم مندرج در ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی نمونه بارزی برای خسارت غیرمستقیم قابل جبران است. اما معمولاً با این استدلال که میان ضرر وارده و فعل زیانبار «رابطه سببیت عرفی» وجود دارد، ضرر مذکور، ضرر مستقیم معرفی می‌شود.

۱. ایشان عقیده دارند شاید علت اصلی وجود شرط «مستقیم بودن» ضرر این مهم باشد که توسعه دایره جبران ضرر و تسری آن به زیان‌های غیرمستقیم ممکن است در روابط اجتماعی اثر نامطلوب و سوئی داشته باشد و مسئولیت‌های ناخواسته‌ای را برای اشخاص ایجاد کند که امکان پاسخگویی به آنها فراهم نباشد.

۲. مانند زیان وارده به افراد تحت تکفل متوفی که هزینه آنها به‌طور متعارف به عهده زیان‌دیده مستقیم بوده است؛ یا زیان وارده به اشخاصی که با زیان‌دیده مستقیم روابط تجاری و حرفه‌ای داشته و در اثر مرگ یا ازکارافتادگی وی از خدمات و کار او محروم شده‌اند؛ زیان‌های معنوی غیرمستقیم.

در فقه امامیه چنانکه از مباحث مربوط به تعدد اسباب مستفاد می‌شود، با اینکه نظر مشهور سبب مقدم در تأثیر را مسئول می‌شناسد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۷: ۴۹؛ رشتی، ۱۴۰۸: ۱۱۰؛ حلی، ۱۴۱۹: ۶۵۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶: ۱۵۸؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۲؛ ابن قدامه، ۱۴۰۸: ۴۸۷) و نظریه سبب متعارف به‌طور کامل پذیرفته نشده است؛ اما ضابطه این است که عرف فعل مرتکب را زیانبار تشخیص دهد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۵؛ آل کاشف‌الغطا، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۴۱). از این رو باید گفت هدف تمام نظریات این است که از میان اسباب گوناگون، سبب متعارف را بیابند. در تئوری‌های ارائه‌شده برای حل مشکل تعدد اسباب، محور اصلی بحث «انتساب عرفی ضرر» است (یزدانیان، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۸۵) انتخاب راهکارهایی غیر از سبب متعارف توسط قانون‌گذار در قوانین را نیز باید بر این فرض نهاد که قانون‌گذار در آن مقام تصور بر این داشته که راهکار موردنظر به سببیت عرفی نزدیک‌تر است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۲۳). در فقه نیز به این مسئله اشاره و گفته شده هدف از طرح نظرها و مثال‌های گوناگون صرفاً شناسایی رابطه سببیت عرفی است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۰۸). اگرچه هر جا سخن از عرف است، ضرورتاً باید به معیارهای موردنظر عرف توجه داشت و لحاظ این معیارهاست که از ابهامات ناشی از اعمال عرف می‌کاهد؛ لیکن به‌نظر می‌رسد مستقیم بودن، حتی در تعیین ارکان ضرر، از معیارهای اساسی عرف نیست. شاهد این مدعا آن است که هم در حقوق انگلیس هم در حقوق فرانسه ضرری که در سلسله اسباب، متعارف و معقول شمرده می‌شود، ضرری است که قابل پیش‌بینی باشد. اگرچه شرط مستقیم بودن از جهت عینی و مادی در تعیین سبب نهایی نقش دارد (Rade, 2014: 8)، اما حقوق هیچ‌گاه امور ذهنی و درونی را فدای امور مادی نمی‌کند. نظریه سبب بی‌واسطه نیز با این ایراد روشن و اساسی مواجه است که موجب نادیده گرفتن اسبابی می‌شود که از زیان وارده دور هستند، لیکن نقش آنها به‌مراتب از زیان‌های نزدیک بیشتر است. تا جایی که گفته شده اعمال شرط مستقیم بودن ضرر بدون در نظر گرفتن شرط قابلیت پیش‌بینی متعارف، برخلاف اخلاق و عدالت است (Winfield & Joelwicz, 1994: 158). به همین سبب است که پیشنهاد شده ضابطه پیش‌بینی یک انسان متعارف که عمل وی به‌طور طبیعی و در جریان عادی امور سبب ورود خسارت است، به‌عنوان معیار مسئولیت مدنی معرفی شود (Ogus, 1973: 169).

۱. «... و لما كان منشأ الضمان إنما هو الإلتلاف على ما يظهر من النص و الفتوى فالمدار على صدق المتلف عرفاً، و تحديدهم بالمتأثر و السبب و نحو ذلك إنما هو لضبط ما يصدق عليه العرف، و إلا لم يدل دليل على المباشرة و التسيب و تقدم أحدهما على الآخر عند الاجتماع، فينبغي أن يجعل المعيار الصدق العرفي، فربما يصدق على المباشر دون السبب، و ربما يصدق عليهما معاً، و ربما يصدق على السبب دون المباشر، و قس على ذلك تراسي سلسله الأسباب و المباشرين. و ما ذكره من الأمثلة في هذا المقام كما نشير إليها ليس لبيان حكم...»

چنانکه ملاحظه می‌شود، نقش ضابطه مستقیم بودن در عمل بسیار کم‌رنگ و ناچیز است و عرف برای انتساب ضرر به فاعل زیان، بیشتر به معیارهای ذهنی و روانی توجه دارد تا معیارهای عینی و مادی! ضابطه مستقیم بودن نیز یک ضابطه عینی، موضوعی و مادی است (Rade, 2014:8). صرف‌نظر از مراتب مذکور، حقوق هیچ ضابطه علمی دقیقی برای تفکیک مستقیم و غیرمستقیم بودن ندارد و تنها عرف عقلاست که می‌تواند در تمیز این دو راهگشا باشد. به همین علت است که غالب حقوقدانان ما در تشریح ضرر غیرمستقیم و شرط بلاواسطه بودن ضرر به رکن سببیت متوسل شده و به‌صراحت پذیرفته‌اند که برای شناسایی ضرر مستقیم از ضرر غیرمستقیم باید مشخص شود که رابطه سببیت عرفی بین فعل و ضرر وجود دارد. ارتباط مؤثر شرط مستقیم بودن و سببیت در فرانسه نیز که خاستگاه این قاعده است، مورد تأکید قرار گرفته و حقوقدانان فرانسوی به این نکته اشاره کرده‌اند که با وجود رکن سببیت، به شرط مستقیم بودن ضرر نیازی نیست (Flour et Aubert, 1998: 185; Le Tourneau, 1998: 812). رویه قضایی فرانسه نیز در موارد متعدد، علت عدم جبران خسارات غیرمستقیم را مشکوک بودن رابطه سببیت دانسته است و از میان نظریات ارائه‌شده برای حل مشکل تعدد اسباب، نظریه سبب متناسب یا متعارف با انتقادات کمتری مواجه شده است (ژوردن، ۱۳۹۴: ۹۵).

واقعیت این است که از شرط مستقیم بودن ضرر، قاعده‌ای کلی و ثابت نمی‌توان به‌دست آورد (حاجی نوروزی، ۱۳۸۹: ۷۷). همچنین نمی‌توان گفت که شرط مستقیم بودن ضرر، ضابطه‌ای جدا از رکن سببیت است (یزدانیان، ۱۳۹۵: ج ۱، ۴۰۵). بنابراین، با وجود رکن سببیت در حقوق مسئولیت، اصرار بیهوده بر لزوم مستقیم بودن ضرر بی‌فایده است و نتیجه‌ای نیز در برنخواهد داشت. ضمن آنکه اثبات ضرر مستقیم با توسل به رکن سببیت، به‌منزله تحصیل حاصل است. عجیب آنکه برخی حقوقدانان، شرط مستقیم بودن را برای اثبات رکن سببیت لازم دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۵۴؛ حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۶۹)، درحالی‌که این به‌منزله دور است. از یک سو گفته می‌شود منظور از مستقیم بودن ضرر، وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده است؛ از سوی دیگر مستقیم بودن، شرط تحقق سببیت معرفی می‌شود!

۵. نتیجه‌گیری

در حقوق انگلستان، مستقیم بودن ضرر در ذیل مبحث دوری زیان مطالعه می‌شود و ضرر غیرمستقیم یا تبعی در صورتی‌که در حوزه پیش‌بینی متعارف طرفین آمده باشد، قابلیت جبران دارد و تأثیر سببیت کمتر از قابلیت پیش‌بینی ضرر است. قاعده مستقیم بودن ضرر از حقوق فرانسه وارد حقوق ما شده است. در حقوق فرانسه بیشتر حقوقدانان معتقدند این شرط بیشتر از اینکه به‌عنوان یک شرط مستقل برای احراز ضرر قابل جبران کاربرد داشته باشد، مرتبط با

رکن سببیت است. در حقوق ایران با توجه به اینکه بیشتر حقوقدانان مستقیم بودن ضرر را به معنی وجود رابطه سببیت عرفی بین ضرر وارده و فعل زیانبار می‌دانند، مفهوم ضرر غیرمستقیم با اشکال اساسی مواجه است. چه اینکه احراز غیرمستقیم بودن ضرر منوط به نبود رابطه سببیت عرفی است و تشخیص مستقیم بودن ضرر تنها از طریق احراز رکن سببیت امکان‌پذیر است. برخلاف آنچه تاکنون حقوقدانان در بیان شرایط حاکم بر ضرر تأکید و تکرار کرده‌اند، در حقوق مسئولیت نیازی به احراز شرط مستقیم بودن ضرر نیست و در صورت حذف آن از نظام حقوقی ما، مشکل خاصی برای احراز ضرر قابل جبران به وجود نخواهد آمد، چه اینکه قاعده مستقیم بودن ضرر در وضعیت فعلی کارکرد مؤثری در حقوق مسئولیت نداشته و تنها تکرار رکن سوم مسئولیت مدنی است. از سوی دیگر، حقوق مسئولیت امروزه تمایل دارد که به استناد اصل جبران کامل خسارات ضررهای بیشتری را جبران کند و حذف شرط مستقیم بودن ضرر گامی در جهت نیل به این مقصود خواهد بود.

منابع

الف) فارسی

۱. انصاری، علی؛ مبین، حجت (۱۳۹۰). «نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۹۱، پیاپی ۷۱، ص ۱۹-۴.
۲. بادینی، حسن؛ تقی‌زاده، ابراهیم؛ علیدوستی شهرکی، ناصر؛ پناهی اصانلو، پانته‌آ (۱۳۹۶). «خسارت تبعی در بیع بین‌المللی کالا»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۹، ص ۱۰۳.
۳. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
۴. برمینگهام، ورا (۱۳۸۸). شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان، ترجمه سید مهدی موسوی، تهران: میزان، ص ۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳.
۵. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱). ضمان قهری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶. بیانکا، چزاره ماسیمو (۱۳۹۱). تفسیری بر حقوق بیع بین‌الملل: کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، چهار جلد در یک مجلد، ترجمه مهراب داراب پور، تهران: گنج دانش، ص ۸۵.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۸. حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال اول، ش ۱، ص ۶۳-۷۵-۷۶-۷۷.
۹. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۳۸۵). عناوین ضمان، ترجمه محمدجواد شریعت باقری، تهران: میزان.
۱۰. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). حقوق مدنی (مسئولیت مدنی)، تهران: میزان.
۱۱. خادم رضوی، قاسم؛ نوعی، الیاس و مهرپویان، آزاده (۱۳۹۴). «رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۴۷.
۱۲. راف، آنه (۱۳۹۰). قواعد حقوق قرارداد انگلستان از دید رویه قضایی، ترجمه سید محمد موسوی، تهران: میزا.
۱۳. ژوردن، پاتریس (۱۳۹۴). اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
۱۴. سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۸۵). خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی، تهران: خط سوم.
۱۵. سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۴). دوره حقوق تعهدات، ترجمه محمدحسین دانش‌کیا و سید مهدی دادرزی، قم: دانشگاه قم.

۱۶. شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم (۱۳۸۳). *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران*، تهران: فروزش.
۱۷. شهینایی، احمد، (۱۳۹۲). «مسئولیت مدنی دستگاه‌های دولتی ناشی از وضع مقررات خلاف قانون»، *فصلنامه مطالعات آرای قضایی*، دوره ۲، ص ۸۲.
۱۸. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: مجد.
۱۹. ----- (۱۳۹۷). *مسئولیت مدنی تطبیقی*، تهران: شهر دانش.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). *موجبات ضمان، تهران: میزان*.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. ----- (۱۳۹۰). *قواعد عمومی قراردادهای*، تهران: انتشار.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۳). *قواعد فقه (بخش مدنی)*، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۴. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *عناوین الفقهیه*، ج ۱ و ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. نعیمی، هادی (۱۳۹۰). «خسارت قابل مطالبه در مسئولیت قراردادی ایران، انگلیس و ایالات متحده آمریکا»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری حقوق خصوصی.
۲۶. وطنی، امیر؛ زمانی، سید قاسم و زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۴). «امکان جبران کامل خسارات در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال چهارم، ش ۱۲، ص ۱۳۵.
۲۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، اول، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۲۸. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*، ج ۱، تهران: میزان.

ب) عربی

۲۹. آل کاشف الغطاء، شیخ محمدحسین (۱۳۶۱). *تحریر المجله*، ج ۳، تهران: مکتب فیروزآبادی.
۳۰. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح الارشاد الاذهان*، ج ۱۳، قم: دفتر نشر اسلامی.
۳۱. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*، قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
۳۲. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵). *قواعد فقهیه*، ج ۲، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳۳. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *عناوین الفقهیه*، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. حلی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشککات القواعد*، ج ۲ و ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۵. رشتی، حبیب‌الله (۱۴۰۸ق). *فقه الامامیه*، ج ۱، قم: مکتب الداوری.
۳۶. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸ق). *تنقیح مبانی الاحکام*، قم: دار الصدیقه الشهبده (س).
۳۷. عاملی (شهید اول) محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد*، ج ۲، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۸. عاملی (شهید ثانی) زین‌الدین ابن علی (۱۴۱۳ق). *مسالک الافهام*، ج ۱۲، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۳۹. ----- (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، قم: مؤسسه داوری.
۴۰. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق). *تفصیل الشریعه - کتاب دیات*، قم: مرکز فقه ائمه اطهار.
۴۱. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی (۱۴۰۵ق). *کشف اللثام*، ج ۲، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۴۲. کرکی، نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح حال قواعد*، ج ۴، قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۴۳. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و حرام*، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
۴۴. مقدسی، عبدالرحمن ابن محمد ابن قدامه (۱۴۰۸ق). *شرح الکبیر*، بی جا، دار الکتب العربی.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲ق). *القواعد الفقهیه*، ج ۱ و ۲، قم: منشورات دارالعلم.
۴۶. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۳۷، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۴۷. نراقی، مولی احمد (۱۴۱۰ق). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ج) خارجی

48. Coleman, Jules (1992). *Risk and wrongs*, Cambridge Studies in philosophy and Law Cambridge University Press, First edition.
49. Cooke, John (2009). *Law of Tort*, 9th ed., London, Pearson Education Limited.
50. Coulthard, Will & Rebecca Cifelli (2017). *Consequential Loss: do you know what you are excluding?* Last visited on 17 October 2019 <http://jws.com.au/en/insights/articles/2017-articles/consequential-loss-do-you-know-what-you-are-exclud>
51. Elliott, Catherine & Quinn, Frances (2009). *Tort Law*, 7th ed., England, Pearson Education Limited.
52. Flour, Jacques, et Aubert Jean-Luc (1998). *Droit Civil. Obligation. T. I. Actes Juridique. T. II. Faits Juridique*. Armand colin..
53. Gary L. Wickert, Matthiesen, Wickert & Lehrer, S. C. (1999) *Economic Loss Doctrine In All 50 States*..
54. Harpwood, Vivienne, (2009). *Modern Tort Law*, 7th ed., London Routledge Pub. .
55. Honore, Tony, (1995). *About Law*, Clarendon Press. Oxford.
56. Knutsen, Erik S. (2009). *Clarifying Causation in Tort*, Dalhousie Law Journal, Vol. 33, No. 1, pp. 153-188, last visited on Spring 2010. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1448828>..
57. Le Tourneau, Philippe (1998). *Droit de la responsabilitee des contrats*, 8e.ed, Dalloz..
58. Maurie, Philippe (1995). *Le inflation et le droit civil des obligation*. L.G.D.G..
59. Mill, John Stuart (1886). *A System of Logic, ratiocinative and Inductive*, 2th ed, London, John W, Parker & Son.
60. Ogus, A.I (1973). *The Law of Damages*, London. Butterworths..
61. Pothier, Robert (1861). *Traite des Obligation*, Oeuvres des Pothier. 2thed.
62. Rade, Christophe (2014). *Droit a Reparation, Condition de la responsabilite contractuelle. Dommage*. Juris Classeur Responsabilite civil et Assurances..
63. Schlechtriem, Peter (1998). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods*, Translated by G. Thomas, Oxford University Press. .
64. Stephenson, Graham (2000). *Sourcebook on Torts*, 2th ed., London, Gavendish Publishing Limited.
65. Stone, Richard (2005). *The Modern Law of Contract*, 6thed., Covendish Publishing. .
66. Terre, (F) et Simler (PH) et Lequette (Y). (1999). *Droit civil, Les obligations*, Precis Dalloz.
67. Treitel, G.H. (1995). *The law of Contract*, Ninth Edition, London Sweet & Maxwell..
68. Tweeddale, Andrew (2017). last visited on 3 March 2019, <https://corbett.co.uk/all-damage-is-in-a-sense-consequential-so-what-in-law-are-consequential-losses>.
69. Winfield and Joelwicz (1994). *Tort*. By. W.V.H. Rogers, 14thed, Sweet and Maxwell, London, International Student Edition..